بررسی طواف نساء از منظر مذاهب اسلامی

فاطمه عبادی‌نیک[1]

چکیده

طواف نساء از اعمال حج و عمره مفرده است که مذاهب اسلامی در آن اختلاف‌نظر دارند. امامیه طواف نساء را یکی از اقسام طواف واجب می‌داند که با انجام آن، زنان و عقد آن‌ها بر مردان محرم، حلال می‌شود و بالعکس؛ اهل سنت طواف مشروع را سه نوع می‌دانند: طواف قدوم، زیارت و وداع. در منابع فقهی آنان هیچ ذکری از طواف نساء نشده است و معتقدند پس از طواف زیارت همه چیز حتی زنان بر محرم حلال می‌شود. امامیه در مشروعیت طواف‌های مذکور با اهل سنت اتفاق‌نظر دارند، علاوه بر آن به مشروعیت طواف نساء قائل هستند و آن را یکی از اعمال واجب غیر رکنی و یکی از محلل‌ها در حج و عمره مفرده می‌دانند. در این مقاله با روش توصیفی، تحلیلی و تطبیقی به بررسی اقسام حج و طواف از منظر مذاهب اسلامی پرداخته می‌شود، سپس با بررسی ادله فقهای شیعه پیرامون طواف نساء، مشروعیت و وجوب آن ثابت می‌گردد. در پایان، با بررسی واقعه حجةالوداع، تنها سند و مدرک سنت نبوی که مورد قبول همه مذاهب اسلامی است، حقانیت ادعای شیعه بر مشروعیت طواف نساء ثابت می‌شود.

واژه‌های کلیدی: حج، عمره، طواف نساء، مذاهب اسلامی، فقه تطبیقی.

---

۱. پژوهشگر و طلبه سطح چهار رشته فقه و اصول گرایش فقه خانواده جامعة الزهرا؛ F.ebadinik@gmail.com.

An Investigation of Women's Circumambulation (Ṭawāf al-Nisāʾ) from the Perspective of Islamic Denominations

Fatima Ebadinick[1]

Abstract

Ṭawāf al-Nisāʾ is one of the acts of Hajj and Umrah on which the Islamic denominations disagree. The Imamiyah consider Ṭawāf al-Nisāʾ to be one of the types of obligatory circumambulation by which the relationship between a woman and her husband becomes lawful, and vice versa; Sunnis consider legitimate Ṭawāf to be of three types: Ṭawāf of arrival, Ṭawāf of pilgrimage to Mecca, and Ṭawāf of farewell. In their jurisprudential sources, there is no mention of Ṭawāf al-Nisāʾ and they believe that after Ṭawāf of pilgrimage, the relationship between spouses becomes permissible. The Imamiyah agree with the Sunnis on the legitimacy of the mentioned kinds of Ṭawāf. In addition, they believe in the legitimacy of the Ṭawāf al-Nisāʾ and consider it as one of the non-pillar obligatory acts and one of the things that makes a remarriage lawful in Hajj and Umrah. Using descriptive, analytical and comparative methods, this paper examines the types of Hajj and Ṭawāf from the perspective of Islamic denominations. Then, by examining the arguments of Shiite jurists regarding Ṭawāf al-Nisāʾ, its legitimacy and obligation is proved. Finally, by examining Ḥijjatu Al-Wadāʿ, the only document and evidence of the Prophetic tradition that is accepted by all Islamic denominations, the veracity of the Shiite claim on the legitimacy of the Ṭawāf al-Nisāʾ is proved.

Keywords: Hajj, Umrah, Ṭawāf al-Nisāʾ, Islamic denominations, comparative jurisprudence.

---

1. Researcher and Student of Level Four of Jurisprudence and Principles, the sub-discipline of Family Jurisprudence, Jami'at al-Zahra, F.ebadinik@gmailcom

دراسة طواف النساء من منظور المذاهب الإسلامية

فاطمة عبادي نيک[1]

الخلاصة

طواف النساء هو أحد أعمال الحج والعمرة المفردة، والذي اختلفت فيه المذاهب الإسلامية. وبحسب الإمامية فإنّ طواف النساء يُعدّ من أقسام الطواف الواجبة الذي بالإتيان به تحلّ النساء وعقدهن للرجال المحرمين وبالعكس. فيما يعتبر أهل السنة الطواف الشرعي ثلاثة أقسام: طواف القدوم والزيارة والوداع، ولم يرد ذكر في مصادرهم الفقهية لطواف النساء ويعتقدون أنه بعد طواف الزيارة يصبح كل شيء من تروك الإحرام حلالاً حتى النساء للمحرم. ويتفق الإمامية مع أهل السنة على شرعية الطوافات الثلاثة المذكورة، لكن إضافة إلى ذلک أنهم يقولون بمشروعية طواف النساء ويعتبرونه من الواجبات غير الركنية وأنّه من محلّلات الحج والعمرة المفردة. وفي هذه المقالة تمّت دراسة أقسام الحج والطواف من منظور المذاهب الإسلامية، ثمّ من خلال بحث أدلّة طواف النساء لدى فقهاء الشيعة تمّ إثبات مشروعيته ووجوبه، وذلك طبقاً للمنهج الوصفي التحليلي والمقارن. وأخيراً، من خلال بحث واقعة حجة الوداع، وهي الوثيقة الوحيدة من السنة النبوية، والتي هي مقبولة عند جميع المذاهب الإسلامية، تم إثبات شرعية ادّعاء الشيعة مشروعية طواف النساء.

الكلمات المفتاحية: الحج، العمرة، طواف النساء، المذاهب الإسلامية، الفقه المقارن.

١. المحقق و طلبه سطح چهار رشته فقه و اصول گرايش فقه خانواده جامعه الزهراءﷺ؛ F.ebadinik@gmailcom.

۱. مقدمه

حج به عنوان یکی از ارکان اسلام، ویژگی‌های خاصی دارد؛ به گونه‌ای که اگر مسلمانان به عمق این فریضه الهی معرفت پیدا کنند و آن گونه که باید عمل نمایند، قطعاً به منافع فراوانی دست خواهند یافت؛ منافعی که باعث رشد و تعالی مسلمانان و ویرانگر کاخ‌های ظلم و استبداد خواهد بود.

لازمه انجام حج صحیح، شناخت حج از ابعاد مختلف، به خصوص بعد فقهی است که از آن به مناسک حج تعبیر می‌شود. در این راستا، فقهای مذاهب اسلامی، فتاوای فقهی حج را تدوین کرده و در اختیار مکلفان قرار داده‌اند. طواف، از جمله مناسک حج است که مورد پذیرش فقهای مذاهب اسلامی است؛ به گونه‌ای که بالاتفاق بر هر مسلمان حج‌گزاری طواف بیت‌الله الحرام را واجب می‌دانند؛ اما از آنجا که ادله و برداشت فقها از ادله (قرآن و احادیث) متفاوت است، موجب شده نتوانند در جزئیات اتفاق رأی داشته باشند. از این رو، در پاره‌ای از فروعات آن مانند اقسام طواف اختلاف‌نظر دارند. اهل سنت طواف مشروع را طواف قدوم، زیارت و وداع می‌دانند؛ ولی امامیه علاوه بر آنها، طواف نساء را نیز مشروع می‌دانند. دلیل اهل سنت، سنت نبوی مستند به دو روایت از عایشه و ابن‌عمر است و دلیل امامیه علاوه بر اجماع و احتیاط، روایات متواتری است که از ائمه معصومان علیهم‌السلام نقل شده است. امامیه با تمسک به اهل‌بیت پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله احکام را از منشأ اصلی آن دریافت نموده، از انحرافات تا حد زیادی در امان مانده، ادله آنان از اتقان بیشتری برخوردار است. اهل سنت به دلیل آنکه قرآن و سنت پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله را ملاک اعمال خود می‌دانند و از طرفی، قرآن به بیان جزئیات نپرداخته و کلیات را بیان نموده، علاوه بر آن سنت پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در طول تاریخ به خصوص در دوران ممنوعیت کتابت حدیث، بخش اعظم آن از بین رفته یا تحریف شده است؛ لذا بسیاری از حقایق احکام را از دست داده و غالباً به ادله غیرمتقن استناد نموده‌اند. جهت رفع شبهات و دفاع از فقه شیعه لازم است فقه شیعه و اهل سنت معرفی و سپس مقایسه شود تا اتقان و برجستگی فقه شیعی و ضعف برخی ادله اهل سنت نمایان گردد.

فقها برای آشنایی مسلمانان با فتاوای فقهی مذاهب اسلامی، کتبی با موضوع فقه مقارن یا فقه تطبیقی تألیف نموده‌اند؛ از جمله «انتصار» سید مرتضی (۳۳۵-۴۳۶ق)، «الخلاف» شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ق)، «تذکره الفقهاء» و «منتهی المطلب» علامه حلی (۶۴۷-۷۲۶ق) و «الفقه علی مذاهب الخمسه» محمدجواد مغنیه. از آثار متأخران، «دروس فی الفقه المقارن» محمدابراهیم جناتی و «درس‌نامه درآمدی بر فقه مقارن» مصطفی جعفر پیشه‌فرد را می‌توان نام برد. در هیچ یک از این آثار، به بررسی تطبیقی طواف نساء به صورت مستقل و منسجم پرداخته نشده است. از آنجایی که به‌حسب نوع حج و عمره، نوع طواف و تعداد آن متفاوت است، در این نوشتار ابتدا اقسام حج، عمره و طواف تبیین و سپس به بررسی طواف نساء طبق نظر مذاهب اسلامی پرداخته می‌شود. در پایان، واقعه حجة الوداع، تنها مدرک مورد پذیرش مذاهب مختلف از سنت نبوی، تبیین و بررسی می‌شود تا حقانیت ادعای شیعه ثابت شود.

۲. اقسام حج و عمره

۲-۱. اقسام حج

طبق آیه شریفه «لِلّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلاً» (آل‌عمران: ۹۷)، حج بر هر زن و مرد دارای شرایط یک‌بار در عمر واجب می‌شود که به آن «حجة الاسلام» می‌گویند. مذاهب اسلامی، حج را بر سه قسم می‌دانند: تمتع، افراد و قران (نجفی، بی‌تا، ج۱۸، ص۲؛ ابن‌رشد، بی‌تا، ج۱، ص۳۴۴-۳۴۸؛ العلاف، بی‌تا، ص۲۰؛ الجزیری، ۱۴۰۶، ج۱، ص۹۹۵؛ الزحیلی، بی‌تا، ج۳، ص۴۰۴؛ النووی، بی‌تا، ج۱، ص۴۳)؛ اما در تعریف برخی از اقسام، اختلاف‌نظر دارند.

۲-۱-۱. حج تمتع

کسانی که بیش از ۱۶ فرسخ با مکه فاصله دارند، باید حج تمتع انجام دهند؛ یعنی ابتدا محرم به عمره تمتع شده، بعد از انجام اعمال عمره تمتع از احرام خارج می‌شوند و هر آنچه با احرام بر آن‌ها حرام شده بود، حلال می‌شود، مجدداً در روز هشتم ذی‌الحجه محرم به حج تمتع می‌شوند و اعمال حج را به‌جا می‌آورند. به دلیل آنکه بین عمره و

حج امکان بهره‌مندی از محرمات وجود دارد، به این نوع حج، «حج تمتع» گفته می‌شود. اهل سنت قائلند این نوع تمتع در زمان پیامبر بوده و خلیفه دوم، از آن نهی کرده است. از این رو، ادخال حج بر عمره را جایز می‌دانند. اهل سنت روایتی را به تواتر از عمر نقل می‌کنند که گفته است: در عهد رسول‌الله ﷺ دو متعه جایز بود، من از آن‌ها نهی کردم و به خاطر آن افراد را عقوبت کردم: متعه نساء و متعه حج (همان).

۲-۱-۲. حج قران و افراد

اهالی مکه و اطراف آن تا کمتر از ۱۶ فرسخ باید حج قران و افراد به‌جا آورند. از نظر شیعه، در حج افراد، قربانی مستحب است و عمره پس از اعمال حج به‌جا آورده می‌شود. حج قران و افراد یکی هستند، چنانچه محرم در حج قران، قربانی با خود بیاورد، ذبح آن واجب است؛ چون هدی را با احرامش مقارن کرده و به آن «قران» گفته می‌شود (نجفی، بی‌تا، ج۱۸، ص۲؛ محمدی‌نژاد، ۱۴۱۲ق، ص۸۵). دلیل شیعه روایاتی است که در آنها از حج قران، به حج افرادی که قربانی به همراه دارد، تعبیر شده است؛ مانند: امام صادق علیه‌السلام فرمود: «حج در نزد ما سه نوع است. حج تمتع، حج افرادی که هدی با خود سوق داده، حج افراد» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج۱۱، ص۲۱۲).

از نظر اهل سنت، قران آن است که برای حج و عمره یک احرام ببندد و پس از اعمال حج بلافاصله اعمال عمره را انجام دهد؛ بنابراین، با یک نیت و احرام هر دو را انجام می‌دهد. به این نوع قران، قران حقیقی می‌گویند. نوع دیگر قران حکمی است و آن عبارت است از ادخال حج بر عمره؛ یعنی اول احرام عمره ببندد، آن گاه احرام حج را بر آن داخل کند. اگر چه مذاهب اهل سنت درباره شرایط صحت این نوع قران اختلاف دارند؛ اما آن را صحیح می‌دانند. طبق نظر شیعه، این دو نوع قران جایز نیست. قران حقیقی (ادخال عمره بر حج) را شافعیه، مالکیه، حنبلیه و شیعه صحیح نمی‌دانند. حنفیه آن را صحیح می‌دانند، هر چند آن را گناه شمرده‌اند. طبق نظر اهل سنت در حج قران، قربانی واجب است (العلاف، بی‌تا، ص۱۲؛ ابن‌رشد، بی‌تا، ج۱، ص۳۴۴-۳۴۸؛ جعفر پیشه‌فرد، ۱۳۸۶، ص۳۴۴؛ الجزیری، ۱۴۰۶ق، ج۱، ص۱۰۸۲؛ الزحیلی، بی‌تا، ج۳، ص۵۸۸؛ ابن‌قدامة، بی‌تا، ج۷، ص۲۷۶).

۲-۲. اقسام عمره

عمره نیز یک‌بار در طول عمر بر انسان دارای شرایط واجب است (نجفی، بی‌تا، ج۲۰، ص۴۴۱؛ الجزیری، ۱۴۰۶ق، ج۱، ص۱۰۶۹). دلیل آن، آیه «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» (بقره: ۱۹۶) و روایات متعددی است که به ذکر یک مورد بسنده می‌شود. امام‌صادق علیه‌السلام فرمود: «عمره مانند حج بر کسی که استطاعت دارد، واجب است؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ»... سپس از حضرت پرسیدم کسی که عمره تمتع از حج تمتع به‌جای می‌آورد، آیا کفایت از عمره واجب می‌کند؟ فرمودند: بله» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، باب ۱، ح۳).

از میان مذاهب اسلامی حنفیه و مالکیه معتقدند انجام عمره یک‌بار در طول عمر مستحب مؤکد است و دلیل آن را روایتی از ابن ماجه می‌دانند که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: «حج واجب و عمره مستحب است» (ابن ماجه، بی‌تا، ج۳، ص۴۰۸؛ الجزیری، بی‌تا، ج۱، ص۱۰۷۲).

حنابله از قول احمد گفته‌اند عمره بر اهل مکه واجب نیست و در استدلال بر آن گفته است: ابن‌عباس در حالی که عمره را واجب می‌دانست، می‌گفت ای اهل مکه عمره بر شما واجب نیست، همانا عمره شما، طواف شما برگرد خانه خدا است؛ زیرا افضل اعمال عمره، طواف است که شما انجام می‌دهید (همان).

۱-۲-۲. عمره تمتع و عمره مفرده

طبق نظر شیعه عمره دو نوع است: عمره تمتع و عمره مفرده. عمره تمتع، بر کسانی که اهل مکه نباشند واجب است و در ماه‌های شوال، ذی‌قعده و ذی‌حجه انجام می‌شود. اعمال آن عبارت‌اند از: احرام، طواف عمره، نماز طواف، سعی و تقصیر. عمره مفرده، عمره‌ای است که در طول سال انجام می‌شود و مستقل از حج است. افضل اوقات برای انجام عمرهٔ مفرده، ماه رجب است. اعمال آن عبارت است از: احرام، طواف عمره، نماز طواف، سعی، تقصیر یا حلق، طواف نساء و نماز طواف نساء (نجفی، بی‌تا، ج۲۰، ص۴۴۹).

طبق نظر اهل سنت عمره مانند حج بر سه قسم است: افراد، تمتع، قران. عمره افراد، همان عمرهٔ مفرده است که در غیر ماه‌های حج انجام می‌شود و افضل اوقات آن، ماه

رمضان است. مذاهب اربعه درباره اعمال و ارکان این عمره، نظرات متفاوتی دارند. حنابله اعمال عمره مفرده را احرام، طواف، سعی، حلق یا تقصیر می‌دانند. از میان آن‌ها احرام، طواف و سعی از ارکان هستند. از نظر حنفیه اعمال عمره مفرده احرام، طواف، نماز طواف، سعی، حلق یا تقصیر هستند که فقط طواف را از ارکان می‌دانند. مالکیه اعمال را احرام، طواف، نماز طواف، سعی، حلق یا تقصیر می‌دانند که احرام، طواف، سعی و رعایت ترتیب بین اعمال، ارکان هستند. شافعیه اعمال را احرام، طواف، سعی، حلق یا تقصیر می‌دانند که همگی از ارکان محسوب می‌شوند (الزحیلی، بی‌تا، ج۳، ص۴۹۳؛ الجزیری، ۱۴۰۶ق، ص۱۰۷۹؛ مجموعة من المؤلفین، ۱۴۰۴-۱۴۲۷ق، ج ۳۰، ص۳۱۵؛ النووی، بی‌تا، ج۱، ص۴۳).

عمره تمتع، عمره‌ای است که قبل از حج تمتع انجام می‌شود. اعمال آن عبارت است از: احرام، طواف، سعی، حلق یا تقصیر. مالکی‌ها نماز طواف را نیز واجب و حنفی‌ها سنت مؤکد می‌دانند.

عمره قران، عمره‌ای که همراه با حج قران انجام می‌شود؛ حال قبل از آن یا بعد از آن، با توجه به اینکه ادخال حج بر عمره یا عمره بر حج را جایز بدانند یا نه (همان).

۳. اقسام طواف

۳-۱. کلام فقهای اهل سنت در اقسام طواف

ابن‌رشد آورده است: «علما اجماع دارند که طواف سه نوع است: طواف قدوم، هنگام ورود به مکه انجام می‌شود؛ طواف افاضة، بعد از رمی جمره عقبه در روز عید قربان انجام می‌شود و طواف وداع. همچنین علما اجماع دارند که طواف افاضة، طواف واجبی است که اگر فوت شود، حج باطل می‌شود و منظور از قول خداوند: «**وَ لْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ**»، طواف افاضه است که قربانی هم کفایت از آن نمی‌کند. جمهور علما بر این نظرند که اگر کسی طواف افاضه را فراموش کند، انجام طواف قدوم، مکفی از آن نیست؛ زیرا وقت طواف قدوم قبل از عید قربان است. طایفه‌ای از اصحاب مالک معتقدند که طواف قدوم مجزی از طواف افاضه است. از نظر آن‌ها، مکلف باید یک طواف انجام دهد؛ چه قدوم، چه افاضه. جمهور علما بر این نظرند اگر طواف افاضه را

انجام نداده باشد، طواف وداع مجزی از آن است؛ زیرا وقت انجام طواف وداع همان وقت افاضه است. علما بر آنچه از ابوعمر بن عبدالبر حکایت شده، اجماع دارند که طواف قدوم و طواف وداع از سنت الحاج هستند؛ مگر حاجی بترسد که اگر طواف قدوم انجام دهد، وقت به‌جا آوردن حج را از دست بدهد» (ابن‌رشد، بی‌تا، ج۱، ص۲۷۵).

ابن‌قدامه گفته است: «طواف‌های مشروع در حج سه نوع است. طواف زیارت از ارکان حج است و خلافی نیست که حج تمام نمی‌شود؛ مگر با آن. طواف قدوم سنت است و بر عهده کسی که آن را ترک کند چیزی نیست. طواف وداع واجب است و اگر ترک شود، باید قربانی کند. ابوحنیفه، اصحاب وی و ثوری معتقد به این سخن هستند. مالک گفته: اگر کسی طواف قدوم را ترک کند، باید قربانی کند و اگر طواف وداع را ترک کند، چیزی بر عهده او نیست و آنچه از شافعی روایت شده، این است که هم‌نظر با ما هستند در طواف وداع و هم‌نظر مالک هستند در طواف قدوم؛ یعنی بر عهده تارک طواف وداع و قدوم، قربانی است» (ابن‌قدامة، بی‌تا، ج۷، ص۲۰۳).

برخی دیگر گفته‌اند: «طواف سه نوع است: ۱. طواف رکن، همان طواف افاضه یا طواف زیارت است، اگر کسی آن را انجام ندهد حج او باطل است؛ ۲. طواف واجب، به آن طواف وداع یا صدر گفته می‌شود؛ ۳. طواف سنت، طواف قدوم به آن گفته می‌شود» (جزیری و همکاران، ۱۴۱۹ق، ج۱، ص۸۴۷).

۲-۳. کلام فقهای شیعه در اقسام طواف

ابن‌زهره بر این نظر است: «طواف دو نوع است، واجب و مستحب. طواف واجب سه قسم است: طواف تمتع، طواف زیارت، طواف نساء. طواف مستحب، غیر از این‌ها هر طوافی که مکلف انجام دهد. روایت‌شده مستحب است شخص در مدت اقامتش در مکه، سیصد و شصت طواف یا سیصد و شصت‌وچهار شوط انجام دهد و روایت‌شده رسول خدا ﷺ در هر شبانه‌روز، ده تا هفت دور طواف انجام می‌داد» (حلبی، ۱۴۱۷ق، ص۱۷۰).

ابن‌زهره در اقسام طواف گفته است: «زمان انجام طواف تمتع از هنگام ورود به شهر

مکه تا غروب روز هشتم ذی‌الحجه برای متمتع مختار است؛ اما برای مضطر تا قبل از غروب روز عرفه به طوری که وقوف در عرفه را درک کند. کسی که این طواف را عمداً ترک کند، حج تمتع او باطل است و باید در آینده آن را قضا کند. اگر واجب است، در نتیجه حج او به افراد تبدیل می‌شود و طواف حج مجزی از این طواف نیست. اگر کسی به‌ناچار این طواف را ترک کند، باید بعد از مناسک حج آن را قضا کند و چیزی بر عهده او نیست. به دلیل نفی حرج در دین. اما طواف زیارت، یکی از ارکان حج است، خلافی نیست. اگر کسی آن را عمداً ترک کند، حج او باطل است و اگر کسی آن را فراموش کرد، هر وقت یادش آمد، قضای آن را به‌جا آورد. اگر متذکر نشد تا به سرزمین خود برگشت، در آینده خودش قضای آن را به‌جا آورد و اگر نتوانست، نایب بگیرد تا از طرف او قضا کند. وقت طواف زیارت از زمانی که حاجی در روز عید قربان سرش را حلق می‌کند تا آخر ایام تشریق است. اما طواف نساء، وقت آن پس از پایان سعی حج تا آخر ایام تشریق است. اگر کسی عمداً آن را ترک یا فراموش کند تا به سرزمین خود برگردد، حجش باطل نمی‌شود؛ اما زنان بر او حلال نمی‌شوند تا خودش یا شخصی از طرف او این طواف را انجام دهد» (همان، ص ۱۷۱-۱۷۲).

شیخ طوسی گفته است: «از جمله واجبات حج، طواف خانه خداست. بر شخص متمتع سه طواف واجب است: طواف عمره، زیارت و نساء. بر شخص قارن و مفرد دو طواف واجب است: طواف حج و نساء... . کسی که طواف زیارت را عمداً ترک کند، حجی برای او محسوب نمی‌شود و اگر از روی فراموشی ترک کرده، باید طواف را هر وقت متذکر شد، اعاده کند. کسی که طواف نساء را عمداً ترک کند، حجش باطل نمی‌شود، الا اینکه زنان بر او حلال نمی‌شوند تا آن را به‌جای آورد» (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۲۷۲).

از قول مذهب اهل‌بیت علیهم‌السلام نقل شده است: «انواع طواف عبارت است: ۱. طواف عمره مفرده؛ ۲. طواف عمره تمتع یکی از ارکان حج است و حج با ترک عمدی آن باطل می‌شود؛ چه جاهل به حکم باشد، چه عالم؛ چه جاهل به موضوع باشد، چه عالم؛ ۳. طواف حج، طواف افاضه نامیده شده و یکی دیگر از ارکان حج است و با ترک

عمدی آن باطل می‌شود؛ ۴. طواف نساء. وقتی‌که متمتع طواف حج، نماز آن و سعی را انجام داد، بوی خوش بر او حلال می‌شود و از محرمات، نساء و صید باقی می‌ماند. پس واجب است طواف نساء را انجام دهد تا این دو بر او حلال شود. طواف نساء واجب غیر رکنی است، اگر عمداً ترک شود، حج باطل نمی‌شود؛ اما زنان بر او حلال نمی‌شوند و برعکس. مگر حاجی خودش یا نایبش این طواف را انجام دهد؛ ۵. طواف مستحبی. هر کس بخواهد کم یا زیاد انجام می‌دهد» (جزیری و همکاران، ۱۴۱۹ق، ج۱، ص۸۴۷).

۴. بررسی اقسام طواف

۴-۱. طواف قدوم

اهل سنت اولین طوافی را که شخص محرم به حج، اعم از افراد یا قران، پس از ورود به مکه و قبل از وقوف به عرفات انجام می‌دهد، طواف قدوم یا ورود یا طواف تحیت می‌نامند؛ چون مانند نماز تحیت مسجد است. این طواف نزد جمهور فقها، سنت است برای کسانی که اهل مکه نباشند؛ زیرا برای اهل مکه طواف قدوم معنا ندارد. این طواف از سه دسته ساقط می‌شود:

۱. اهل مکه و کسانی که در حکم اهل مکه هستند؛ یعنی در اطراف مکه قبل از مواقیت زندگی می‌کنند. مالکیه معتقدند اگر همین افراد از میقات محرم شوند، باید طواف قدوم انجام دهند.

۲. مفرد و قارنی که بدون ورود به مکه، از میقات به سوی عرفات برای وقوف رفته است. مالکیه معتقدند کسی که به‌سوی عرفات رفته و طواف قدوم را ترک کرده، در حالی که وقت داشته باشد، باید فدیه بدهد.

۳. معتمر و متمتع، اگرچه از اهالی مکه نباشند؛ زیرا در عمره یک طواف واجب باید انجام شود که رکن نیز است، این طواف واجب از طواف قدوم کفایت می‌کند. حنابله معتقدند متمتع قبل از طواف افاضه، طواف قدوم انجام می‌دهد و شافعیه طواف قدوم را بر کسی که وارد مکه می‌شود، ولو محرم نباشد، مستحب می‌دانند؛ زیرا قادم و وارد بر او صدق می‌کند (الزحیلی، بی‌تا، ج۳، ص۵۱۵-۵۱۷؛ الجزیری، ۱۴۰۶ق، ج۱، ص۶۵۲؛ سیدسابق، ۱۴۱۹ق، ج۱،

ص۵۴۴؛ النووی، بی‌تا، ج۱، ص۴۱؛ ابن‌قدامه، بی‌تا، ج۷، ص۲۰۱؛ المالکی، ۱۴۱۲ق، ج۱، ص۶۶۴).

در نظر فقهای شیعه، انجام طواف قبل از وقوف در عرفات بر مفرد و قارن مستحب است. مشهور فقهای شیعه، اصطلاح طواف قدوم را برای این طواف به کار نبرده‌اند؛ مگر معدودی، از جمله صاحب‌جواهر که فرموده است: «ظاهر از طواف قدوم، طوافی است که هنگام ورود به مکه انجام می‌شود، چه واجب باشد، چه مستحب، چه جزء اعمال حج یا عمره باشد، چه نباشد، پس از آن سعی انجام شود یا نه، ممکن است منظور از طواف قدوم، طواف مستحبی باشد که مفرد و قارن هنگام ورود به مکه قبل از وقوف انجام می‌دهد. نظر مشهور همین است. اگرچه اقرب قول اول است» (نجفی، بی‌تا، ج۱۹، ص۳۵۲).

۲-۴. طواف افاضه

حاجی پس از مناسک منی به مکه بازگشته، طواف نموده و بیت‌الله را زیارت می‌کند. به این طواف، «طواف زیارت» نیز می‌گویند.

این طواف به‌اتفاق همهٔ مذاهب از ارکان حج است و حج تمام نمی‌شود؛ مگر با انجام آن. اگر کسی عمداً آن را ترک کند، حج او باطل است (ابن قدامه، بی‌تا، ج۷، ص۱۹۷؛ کاشانی، ۱۹۸۲، ج۴، ص۳۹۷؛ حلبی، ۱۴۱۷ق، ص۱۷۱؛ طوسی، ۱۴۰۰ق، ص۲۷۲).

برخی دلیل رکن بودن آن را آیه «وَ لْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» (حج: ۲۹) دانسته و گفته‌اند: «خداوند در این آیه، همگی را امر به طواف نموده و امر اقتضای وجوب دارد. در حالی که طواف قدوم اصلاً واجب نیست و طواف وداع هم بر همه از جمله اهل مکه، واجب نیست. در نتیجه، مراد آیه، طواف افاضه است؛ لذا این طواف رکن است» (کاشانی، ۱۹۸۲، ج۴، ص۳۸۱).

از این طواف به «طواف رکن» نیز تعبیر شده است. حنفیه معتقدند طواف رکن، چهار شوط اول طواف افاضه است و سه شوط دیگر، واجب است، نه رکن. دلیل آن اینکه چهار شوط، بیشتر شوط‌های طواف است و اکثر حکم کل را دارد (جزیری و همکاران، ۱۴۱۹ق، ج۱، ص۸۴۸).

علما اجماع دارند که مستحب است در یوم النحر پس از رمی، ذبح و حلق، این طواف انجام شود و اگر انجام آن را تا ایام تشریق یا بعد از آن تأخیر بیندازد، مکفی است و چیزی برعهده او نیست. مالک و حنفیه معتقدند اگر تأخیر طولانی شود، قربانی لازم است (النووی، بی‌تا/الف، ج۹، ص۵۸).

۳-۴. طواف وداع

حاجی غیر مکی هنگام قصد خروج از مکه طواف وداع انجام می‌دهد. از این طواف به «طواف صدر» هم تعبیر شده است؛ زیرا وقت آن هنگام خروج و صدور از مکه است.

در وجوب یا استحباب آن، مذاهب مختلف اختلاف‌نظر دارند، مالکیه آن را مستحب (المالکی، ۱۴۱۲ق، ج۱، ص۶۸۷) و حنفیه و حنابله آن را واجب دانسته، معتقدند در صورت ترک آن، قربانی لازم است (کاشانی، ۱۹۸۲، ج۴، ص۴۴۳ و ۴۴۹؛ ابن قدامه، بی‌تا، ج۷، ص۲۲۷). شافعیه درباره این طواف به دو قول (وجوب و استحباب) قائل هستند (النووی، بی‌تا/ب، ج۱، ص۴۳) و امامیه آن را مستحب می‌دانند (نجفی، بی‌تا، ج۲۰، ص۵۳).

قائلان به وجوب این طواف، دلیل آن را قول نبی‌اکرمﷺ و روایتی از ابن‌عباس می‌دانند که مسلم در صحیحهٔ خود آورده است: «نبی‌اکرمﷺ فرمود: احدی از شما از مکه کوچ نکند، مگر آخرین عمل او طواف بیت باشد. در حدیثی ابن عباس گفته: پیامبراکرمﷺ مردم را امر کرد که آخرین عهد و عملشان، طواف بیت باشد؛ مگر حائض که در مورد او تخفیف داد» (بن‌باز، ۱۴۲۳ق، ج۱، ص۵۶؛ کاشانی، ۱۹۸۲، ج۴، ص۴۴۳؛ مجموعة من المؤلفین، ۱۴۰۴-۱۴۲۷ق، ج۱۷، ص۵۷؛ النووی، بی‌تا/الف، ج۹، ص۶۸).

دلیل مالکیه بر استحباب طواف وداع این است: ما اجماع داریم بر عدم وجوب این طواف بر زن حائض و نفساء. در صورت ترک، فدیه بر آن‌ها واجب نیست. در حالی که اگر طواف وداع واجب بود، بر زن حائض و نفساء نیز واجب بود، مانند طواف زیارت (کاشانی، ۱۹۸۲، ج۴، ص۴۴۳؛ مجموعه من المؤلفین، ۱۴۰۴- ۱۴۲۷ق، ج۱۷، ص۵۷).

دلیل شیعه بر استحباب این طواف، علاوه بر اجماع (منقول و محصل) روایاتی است که در باب تودیع بیت وارد شده است؛ از جمله روایتی از امام‌صادقؑ که فرموده

است: «هنگامی که قصد خروج از مکه نمودی، پس اهلت را جمع کن و با خانه خدا وداع کن و هفت بار طواف انجام بده و ...» (نجفی، ج ۲۰، ص۵۳؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، باب ۱۸، ح ۱).

۴-۴. طواف نساء

طواف نساء یکی از اقسام طواف است که شیعه اعتقاد به وجوب آن در اقسام سه‌گانه حج و عمره مفرده دارد که با انجام آن زنان و عقد آن‌ها بر مردان حلال می‌شود و بالعکس. اهل سنت بالاتفاق منکر آن هستند و از آن نه به عنوان واجب و نه به عنوان مستحب نامی نبرده‌اند و زنان را با طواف زیارت حلال می‌شمارند. در هیچ یک از کتب اهل سنت، ذکری از این طواف به میان نیامده است.

در ادامه، کلام فقهای شیعه و ادعاهای آن‌ها درباره طواف نساء را ذکر و سپس به بررسی ادلهٔ آن‌ها پرداخته می‌شود.

۵. کلام فقهای شیعه در طواف نساء

علامه حلی‌ﷺ می‌گوید: «طواف نساء واجب است اجماعاً. اگر خللی به آن وارد شود، زن بر محرم حرام می‌شود تا خود یا نایب او این طواف را انجام دهد» (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص۲۰۲).

شیخ طوسی‌ﷺ گفته است: «طواف نساء واجب است و زنان حلال نمی‌شوند؛ مگر با این طواف و اگر محرم این طواف را ترک کند، زنان بر او حلال نمی‌شوند؛ مگر برگردد و این طواف را انجام دهد یا شخصی را امر کند که این طواف را انجام دهد و جمیع فقهای (اهل سنت) در این طواف با ما مخالف هستند» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص۴۱۹).

در ادامه گفته است: «محلل‌ها در حج سه چیز است: اول، هنگامی که حاجی، رمی، حلق و ذبح را انجام می‌دهد، همه چیز بر او حلال می‌شود؛ مگر زنان و بوی خوش. دوم، هنگامی که طواف زیارت و سعی را انجام می‌دهد، بوی خوش حلال می‌شود. سوم، هنگامی که طواف نساء را انجام می‌دهد، زنان بر او حلال می‌شوند (البته صید بر او حلال نیست؛ زیرا در حرم است) و احدی (از اهل سنت) طواف نساء را معتبر نمی‌دانند.

دلیل ما بر وجوب این طواف اجماع فرقه و احتیاط است» (همان، ص۴۱۳).

در نهایه می‌فرماید: «اگر کسی طواف نساء را عمداً ترک کند، حج او باطل نمی‌شود؛ الا اینکه زنان بر او حلال نمی‌شوند» (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص۲۷۲).

علامه حلی﵀ فرموده است: «در نزد علمای ما وجوب طواف نساء، اجماعی است. این طواف بر مردان، زنان و خنثی واجب است و عامه بر عدم وجوب آن اتفاق‌نظر دارند. اگر حاجی یا کسی که عمره مفرده به‌جا می‌آورد، طواف نساء را ترک کند، زنان بر آن‌ها حلال نمی‌شوند، واجب است در صورت امکان برگردد و این طواف را انجام دهد و در صورت عدم امکان برگشت، کسی را امر کند تا به نیابت از او این طواف را انجام دهد» (حلی، بی‌تا، ج۸، ص۳۵۳).

محقق کرکی﵀ بیان کرده است: «طواف نساء در حج و عمره مبتوله، نه عمره تمتع، بر مردان، زنان، کودکان و خنثی واجب است» (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج۳، ص۲۰۴).

شهید ثانی﵀ آورده است: «طواف نساء در حج و عمرهٔ مفرده بر هر زن، مرد، کودک و خنثی واجب است. این طواف رکن نیست اجماعاً. مراد از رکن در اینجا چیزی است که با ترک عمدی آن حج باطل می‌شود» (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج۲، ص۳۵۵ و ۳۴۸).

ایشان در جایی دیگر بیان می‌کند: «هر طوافی واجب و رکن است؛ مگر طواف نساء. پس اگر طواف (غیر از طواف نساء) عمداً ترک شود، حجش باطل می‌شود؛ اگرچه جاهل باشد، اگر فراموش کند، باید آن را اعاده کند و اگر ممکن نیست، شخصی به نیابت از او آن را انجام دهد. اما ترک عمدی طواف نساء باعث بطلان حج نمی‌شود و واجب است آن را به‌جا آورد؛ اگرچه فراموش کرده باشد. بدون آن زنان حتی عقد آن‌ها حلال نیست بنا بر اقرب، یکسان است که مکلف مرد باشد یا زن، تمکین زوج بر او حرام می‌شود و طواف وداع مجزی از آن نیست» (شهید ثانی، ۱۴۰۳ق، ج۱، ص۴۰۳-۴۰۴).

ابن‌زهره می‌گوید: «زمان انجام طواف نساء از پایان سعی حج تا آخر ایام التشریق است. اگر کسی عمداً یا ناسیاً آن را ترک کرد، تا به‌سوی اهلش بازگشت، حج او باطل نمی‌شود؛ لکن زنان بر او حلال نمی‌شوند تا خودش یا نایبش این طواف را انجام دهد. دلیل ما بر آن، اجماع و احتیاط است. خلافی نیست که نبی‌اکرمﷺ این طواف را انجام

داد. مخالفین ما این طواف را، صدر نامیده‌اند. پیامبراکرمﷺ فرمود: خذوا عنی مناسککم، از مخالفین روایت‌شده که پیامبراکرمﷺ فرمود: کسی که حج به‌جای می‌آورد باید آخرین عهد و عمل او طواف باشد و ظاهر این امر وجوب این طواف است» (حلبی، ۱۴۱۷ق، ص۱۷۲).

ابن‌بابویه گفته است: «اگر مرد طواف نساء را به‌جا نیاورد، زنان بر او حلال نمی‌شوند تا این طواف را انجام دهد. زن اگر طواف نساء را انجام ندهد، مجامعت بر او جایز نیست تا این طواف را انجام دهد. مگر این دو، طواف وداع انجام دهند؛ زیرا طواف وداع همان طواف نساء است» (بروجردی، بی‌تا، ص۹۹).

ابن‌جنید نیز طواف نساء را «طواف وداع» نامیده و واجب دانسته است (اسکافی، ۱۴۱۶ق، ص۱۳۹).

صاحب‌جواهر می‌فرماید: «طواف نساء در حج و عمرهٔ مفرده واجب است و دلیل آن، روایات و اجماع (محصل و منقول) می‌باشد» (نجفی، بی‌تا، ج۱۹، ص۴۰۵). ایشان طواف نساء را به‌عنوان یکی از محلل‌های سه‌گانه دانسته است (همان، ص۲۵۱).

۱-۵. ادعاهای مطرح‌شده در طواف نساء

در کلام فقهای شیعه چندین ادعا درباره طواف نساء ملاحظه می‌شود:

۱. طواف نساء واجب است؛

۲. طواف نساء در اقسام حج و عمرهٔ مفرده واجب است؛

۳. طواف نساء رکن نیست؛

۴. یکی از محلل‌ها محسوب می‌شود؛

۵. بر هر حاجی و معتمری این طواف واجب است؛

۶. طواف نساء همان طواف وداع است.

۲-۵. ادلهٔ فقها بر هر یک از ادعاها

پس از اجماع و احتیاط، عمده دلیل فقها بر ادعاهای مطرح‌شده، روایات فراوانی

است که در باب طواف نساء وارد شده؛ به‌گونه‌ای که در کتب روایی شیعه، بابی را به خود اختصاص داده است. از جمله:

– امام‌رضا علیه‌السلام فرمودند: «مراد از قول خداوند «**وَ لْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ**»، طواف واجب، یعنی طواف نساء است» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج۵، ص۲۹۹، ح۱۴).

– حماد می‌گوید: «از امام صادق علیه‌السلام درباره قول خداوند «**وَ لْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ**» پرسیدم. فرمود: آن طواف نساء است» (همان، ح۱۵).

این سه روایت بر وجوب طواف نساء دلالت می‌نماید:

– اسماعیل‌بن‌رباح از امام‌رضا علیه‌السلام سؤال کرد: «آیا بر کسی که عمره مفرده به‌جا می‌آورد، طواف نساء واجب است؟ حضرت فرمود: بله» (همان، ح۱۸).

– امام‌صادق علیه‌السلام فرمود: «عمره‌گزار طواف، سعی و حلق می‌نماید. چاره‌ای نیست بر او جز اینکه بعد از حلق، طواف دیگری بنماید» (همان، ص۲۳۰، ح۱۹).

– ابوالقاسم‌مخلدبن‌موسی‌الرازی به امام نامه نوشت و از عمره مفرده‌گزار پرسید که آیا بر او طواف نساء واجب است؟ و همچنین از عمره تمتع برای حج؟ امام نوشت: بر عمرهٔ مفرده‌گزار طواف نساء واجب است؛ اما بر کسی که عمرهٔ تمتع به‌جا می‌آورد، طواف نساء واجب نیست (همان، ح۲۱؛ طباطبایی بروجردی، ۱۴۲۳ق، ج۴، ص۴۲۱).

این روایات بر وجوب طواف نساء در عمره مفرده و عدم وجوب آن در عمره تمتع دلالت دارند.

– امام‌صادق علیه‌السلام فرمود: «کسی که حج تمتع به‌جا می‌آورد، سه طواف بر او واجب است و برای هر طواف دو رکعت نماز و سپس دو سعی بین صفا و مروه بر او واجب است» (حرعاملی، ۱۴۹۲ق، ج۱۱، باب کیفیت انواع حج).

– امام‌صادق علیه‌السلام فرمود: «کسی که حج قران انجام می‌دهد، باید قربانی با خود همراه کند. بر او دو طواف و یک سعی واجب است، بر کسی که حج افراد به‌جا می‌آورد، همین واجب است و قارن فضیلتی بر مفرد ندارد؛ مگر به سوق هدی» (همان، ح۱۰).

این روایات بر وجوب طواف نساء در اقسام سه‌گانه حج دلالت دارند؛ زیرا منظور از سه طواف واجب در حج تمتع، طواف عمره و طواف حج (افاضة) و طواف نساء است و

منظور از دو طواف واجب در حج قران و افراد، طواف حج و طواف نساء است (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص۲۷۲؛ کرکی، ۱۴۱۴ق، ج۳، ص۲۰۳).

– امام‌صادق علیه‌السلام درباره قارن فرمود: «بر او واجب است طواف خانه خدا، دو رکعت نماز نزد مقام ابراهیم علیه‌السلام، سعی بین صفا و مروه، و طواف بعد از حج که همان طواف نساء است» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج۵، ص۴۰).

– امام‌صادق علیه‌السلام در مورد مفرد فرمود: «بر او واجب است طواف خانه خدا، دو رکعت نماز پشت مقام، سعی بین صفا و مروه و طواف خانه خدا بعد از حج» (همان).

– خزاز می‌گوید: «نزد امام‌صادق علیه‌السلام بودم. مردی داخل شد، گفت: فدایت شوم، همراه ما زنی حائض است که طواف نساء انجام نداده و کاروان حاضر نیست به خاطر او توقف کند. امام علیه‌السلام سرش را بلند کرد فرمود: برود، حج او تمام است» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، باب ۸۴، ح۱۳).

صاحب‌جواهر درباره این روایات می‌فرماید: عبارت «**طواف بعد الحج**» و «**فقد تم حجها**» ظهور در خروج از نسک دارد (نجفی، بی‌تا، ج۱۹، ص۳۷۳)؛ یعنی این روایات بر عدم رکنیت طواف نساء دلالت می‌کند.

– امام‌صادق علیه‌السلام فرمود: «در هنگامی که شخص ذبح و حلق انجام می‌دهد، هر چیزی بر او با احرام حرام شده بود، حلال می‌شود؛ مگر بوی خوش و زنان. هنگامی که خانهٔ خدا را طواف می‌کند و سعی بین صفا و مروه را انجام می‌دهد، بوی خوش بر او حلال می‌شود و هنگامی که طواف نساء را انجام می‌دهد، همه‌چیز بر او حلال می‌شود؛ مگر صید» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، باب ۱۳، ح۱).

– امام‌صادق علیه‌السلام درباره زیارت خانهٔ خدا در یوم النحر فرمود: «بعد از طواف زیارت و سعی مُحِل می‌شوی از هر چیزی که بر تو حرام شده بود؛ مگر زنان. پس برگرد به سوی خانهٔ خدا و هفت بار طواف خانهٔ خدا را انجام بده و دو رکعت نماز نزد مقام ابراهیم علیه‌السلام بخوان. پس مُحِل می‌شوی از همه‌چیز، و از اعمال حج و محرمات آن فارغ می‌شوی» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج۵، ص۲۲۸، ح۱۳).

– معاویه بن عمار از امام صادق علیه‌السلام «در مورد مردی که طواف نساء را فراموش کرد

و به کوفه برگشت از امام علیه‌السلام سؤال کردم. فرمود: زنان بر او حلال نمی‌شوند تا این طواف را انجام دهد. گفتم اگر ممکن نبود برگردد چطور؟ فرمود به شخصی امر کند که این طواف را از طرف او انجام دهد» (همان، ص۲۳۲، ح۲۷).

طبق این روایات، طواف نساء یکی از محلل‌ها محسوب می‌شود.

– حسین‌بن‌یقطین می‌گوید: «از امام کاظم علیه‌السلام پرسیدم، آیا طواف نساء بر خصیان و پیرزن هم واجب است؟ فرمود: بله همهٔ طواف‌ها بر آن‌ها واجب است» (همان، ص۲۳۱، ح۲۴). این روایت دلالت بر وجوب طواف نساء بر مرد، زن، پیر، جوان و... دارد.

یکی دیگر از ادعاهای مطرح شده این است که طواف نساء همان طواف وداع است و اگر کسی طواف نساء را انجام ندهد؛ اما طواف وداع را به‌جا آورد، کفایت می‌کند. این ادعا را ابن‌بابویه، ابن‌جنید و ابن‌زهره مطرح نموده‌اند (بروجردی، بی‌تا، ص۹۹؛ ابن‌جنید، ۱۴۱۶ق، ص۱۳۹؛ ابن‌زهره، ۱۴۱۷ق، ص۱۷۲). دلیل این مدعا روایتی است از اسحاق‌بن‌عمار از امام صادق علیه‌السلام که فرمود: «اگر نبود منت خداوند بر مردم به خاطر طواف وداع، چه‌بسا بسیاری از مردم با احرام برمی‌گشتند و زنان بر آن‌ها حلال نمی‌شد» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج۵، ص۲۲۹، ح۱۶).

برخی از فقها، این مدعا را رد نموده‌اند، مانند سید مرتضی که فرموده است: «برخی گفته‌اند طواف نساء همان طواف صدر است که ابی‌حنیفه و گروهی از شافعیه قائل به وجوب آن بوده و گفته‌اند اگر کسی بدون عذر آن را ترک کرد، باید قربانی کند. در پاسخ می‌گوییم، کسانی که طواف صدر یا همان طواف وداع را واجب می‌دانند، هرگز آن را محلل نمی‌دانند و نگفته‌اند زنان با این طواف حلال می‌شوند؛ بلکه گفته‌اند زنان با طواف زیارت حلال می‌شوند. علاوه بر آن، طبق نظر ما طواف نساء بر اهل مکه هم واجب است، به جهت حلال شدن زنان بر آن‌ها. در حالی که طواف وداع بر اهل مکه واجب نیست» (شریف‌مرتضی، ۱۴۱۵ق، ص۲۵۵-۲۵۶).

علامه حلی پس از نقل کلام ابن بابویه می‌گوید: «این کلام اشکال دارد؛ زیرا طواف وداع در نزد ما مستحب است؛ پس چگونه ممکن است از امر واجب کفایت کند و اگر استناد به روایت اسحاق‌بن‌عمار شود، می‌گوییم اولاً در مورد شخص اسحاق‌بن‌عمار جای

بحث و سخن است، ثانیاً این روایت با روایات دیگر معارض است» (حلی، ۱۴۱۳ق، ج۴، ص۲۰۳).

شهید اول بیان می‌کند: «طواف وداع مکفی از طواف نساء نیست بنا بر اظهر؛ اگرچه ابن‌بابویه به خاطر روایت اسحاق‌بن‌عمار به مکفی بودن آن قائل شده، ممکن است روایت را حمل بر تارک عامی کنیم» (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج۱، ص۴۰۴) (منظور روایت، اهل سنت هستند که خداوند بر آن‌ها منت نهاده، طواف وداع را به‌جای طواف نساء از آن‌ها می‌پذیرد و الا از پیروان اهل‌بیت علیهم‌السلام که قائل به وجوب طواف نساء هستند، طواف وداع به‌جای طواف نساء پذیرفته نیست).

۶. طواف نساء نزد اهل سنت

همان طور که بیان شد، در کتب اهل سنت ذکری از این طواف نشده، نه وجوباً و نه استحباباً. علامه حلی فرموده است: «عامه اجماع بر عدم وجوب طواف نساء دارند و دلیل آن‌ها روایت عایشه است که گفته: کسانی که محرم به عمره شدند طواف نموده، سعی بین صفا و مروه کردند، از احرام خارج‌شده و مُحِل شدند. سپس طواف دیگری انجام دادند» (حلی، ۱۴۱۳ق، ج۸، ص۳۵۳). مفاد کلام علامه این است که اهل سنت به استناد این روایت معتقدند که عمره‌گزار پس از طواف و سعی از احرام خارج می‌شود و طواف دیگری که انجام می‌دهد، وجوبی ندارد؛ زیرا از احرام خارج شده است.

کلام ابن‌مسعود کاشانی مؤید سخن علامه است؛ او می‌گوید: «هنگامی که عمره‌گزار از سعی فارغ می‌شود حلق یا تقصیر نموده تمام آنچه بر او حرام بوده حلال و از احرام خارج می‌شود و هنگامی که قصد خروج از مکه دارد، طواف وداع را انجام می‌دهد» (کاشانی، ۱۹۸۲، ج۲، ص۱۳۴).

بن‌باز می‌گوید: «حاجی با سه امر از احرام خارج‌شده و مُحِل می‌شود: رمی جمرهٔ عقبه، حلق یا تقصیر و طواف افاضه همراه با سعی. پس اگر این سه را انجام دهد، تمام چیزهایی که بر او حرام شده بود، حلال می‌شود، از جمله زنان و بوی خوشی و اگر کسی دوتای آن‌ها (رمی و حلق) را انجام دهد، همه چیز بر او حلال می‌شود؛ مگر زنان» (بن‌باز، ۱۴۲۳ق، ج۱، ص۴۶).

۷. تعداد طواف در اقسام حج و عمره از نظر مذاهب مختلف

با انکار طواف نساء از جانب اهل سنت، تعداد طواف‌های واجب در اقسام حج و عمره از نظر آن‌ها با نظر شیعه متفاوت خواهد بود. همان طور که بیان شد، امامیه تعداد طواف‌های واجب را در حج تمتع، سه طواف، در حج قران و افراد، دو طواف، و در عمرهٔ مفرده نیز دو طواف می‌دانند. اهل سنت، طواف‌های واجب را در حج تمتع دو طواف و در حج افراد، یک طواف، می‌دانند و در حج قران، برخی به وجوب دو طواف و برخی به وجوب یک طواف قائل هستند.

قرطبی گفته است: «علما اجماع دارند بر کسی که حج تمتع به‌جای می‌آورد، دو طواف واجب است، یکی برای محل شدن از عمره و یکی هم در یوم النحر، به خاطر روایت مشهور عایشه. کسی که حج افراد به‌جای می‌آورد، یک طواف بر او واجب است در یوم النحر و در مورد طواف‌های واجب در حج قران، اختلاف‌نظر بین علما وجود دارد. مالک، شافعی، احمد و ابوثور معتقدند که بر قارن یک طواف و یک سعی واجب است و این طبق مذهب عبدالله‌بن‌عمر و جابر است و عمده دلیل آن‌ها روایت مشهور عایشه است. ثوری، اوزعی، ابوحنیفه و ابن‌ابی‌لیلی بر قارن دو طواف و دو سعی را واجب می‌دانند. این از علی و ابن‌مسعود روایت شده؛ زیرا حج و عمره دو نسک هستند که در صورت جدا بودن هر کدام یک طواف و سعی دارند؛ لذا در صورت قران و جمع بودن هم واجب است که دو طواف و دو سعی داشته باشند» (قرطبی، ۱۴۱۵ق، ج۱، ص۳۵۷).

ابن‌قدامه گفته است: «کسی که بین حج و عمره قران ایجاد می‌کند، لازم نیست بر او عملی؛ مگر آنچه بر مفرد لازم است و یک طواف و سعی برای حج و عمرهٔ او مجزی است. در روایتی از جماعتی از اصحاب به این مطلب تصریح‌شده و این قول ابن‌عمر و جابر است و عطاء، طاوس، مجاهد، مالک، شافعی، اسحاق، ابوثور و ابن‌منذر به این قول قائل هستند. از احمد روایتی نقل‌شده که می‌گوید بر قارن دو طواف و دو سعی واجب است. این روایت از علی نقل شده و صحیح نیست. افرادی که این قول را اختیار کرده‌اند، در استدلال خود به قول خداوند استناد نموده‌اند که فرمود: «**وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ**

لِلّه. تمام حج و عمره به این است که هر کدام را با تمام افعالش به‌جای آورد و فرقی بین قارن و غیر آن نیست. همچنین حدیثی از نبی‌اکرمﷺ روایت نموده‌اند که فرمود: کسی که جمع بین حج و عمره کند بر او دو طواف واجب است؛ زیرا آن‌ها دو نسک هستند. اگر از هم جدا بودند، هر کدام یک طواف داشتند؛ حال که با هم جمع شده‌اند، باید دو طواف داشته باشند. دلیل ما (بر وجوب یک طواف) روایتی از عایشه است که می‌گوید: کسانی که جمع بین حج و عمره می‌کنند، باید برای آن دو، یک طواف انجام دهند. این امر متفقٌ‌علیه است» (ابن‌قدامه، بی‌تا، ج۷، ص۲۴۲).

علاوه بر حدیث عایشه، روایتی از ابن‌عمر نقل‌شده است: «پیامبراکرمﷺ از احرام خارج نشد تا حجش را به‌جا آورد و در یوم‌النحر قربانی نمود. سپس طواف افاضه نمود، پس حلال شد بر او تمام آنچه حرام شده بود» (عبدالناصر، ۱۴۰۶ق، ج۱۷، ص۲۳۰).

اهل سنت با استناد به این دو روایت معتقدند که پیامبراکرمﷺ در حجه‌الوداع با انجام یک طواف از احرام خارج شدند. در اینجا لازم است نوع حج پیامبرﷺ در حجه‌الوداع مشخص شود تا بتوان قضاوت نمود که تعداد و نوع طواف‌های پیامبرﷺ مطابق با نظر اهل سنت است یا شیعه؟

۸. نوع حج پیامبر اکرمﷺ در حجة‌الوداع

در باب حجة‌الوداع، دو روایت وجود دارد: یکی را معاویه‌بن‌عمار از امام‌صادقؑ نقل کرده که در منابع روایی شیعه ذکر شده است (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج۸، باب ۲۷، ح۴؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج۵، ص۴۱۶، ح۲۳۴). دیگری را جابربن‌عبدالله‌انصاری که در آن سفر حضور داشته، نقل کرده و در منابع روایی اهل سنت آمده است (ابن کثیر، ۱۴۱۲ق، ج۵، ص۲۰۸). این دو روایت در حقیقت یک روایت است که از دو طریق نقل‌شده است. به جهت طولانی بودن روایت، بخشی از آن ذکر می‌شود.

در طی مدت ده سال که پیامبراکرمﷺ در مدینه بودند، یک عمرهٔ ناتمام در سال ششم هجری، دو عمرهٔ تمام در سال هفتم هجری (عمرةالقضاء) و سال هشتم هجری (عمرهٔ‌جعرانه)، و یک حج در سال دهم هجری معروف به حجة‌الوداع انجام دادند. این

حج به امر پروردگار توسط پیامبراکرمﷺ و با حضور هزاران حاجی مسلمان انجام شد تا در آن حضرت مناسک حج را به‌طور کامل به مسلمانان آموزش دهند. تشریع حج تمتع در این حج بود.

در روایت مذکور آمده است: «پیامبراکرمﷺ پس از انجام یک طواف به هنگام ورود به مکه و خواندن دو رکعت نماز طواف پشت مقام ابراهیمؑ و سعی بین صفا و مروه، به‌فرمان جبرئیل به مردم دستور داد تا از احرام خارج شوند؛ مگر آنان که با خود قربانی آورده بودند. پیامبراکرمﷺ و حضرت علیؑ که با خود قربانی آورده بودند، از احرام خارج نشدند. حضرت فرمودند: اگر من نیز این را از قبل می‌دانستم، چنان می‌کردم که به شما دستور دادم، ولی من قربانی همراه آورده‌ام و برای کسی که قربانی آورده، روا نیست که از احرام خارج شود تا قربانی به محل خود برسد. فردی سؤال نمود یا رسول‌الله! این روش که فرمودید فقط برای امسال است یا برای آینده؟ پیامبراکرمﷺ فرمود: برای همیشه است تا روز قیامت. آن گاه انگشتان خود را در هم فرو برد و فرمود: تا روز قیامت عمره را داخل حج کردم» (همان). به این ترتیب، حج تمتع تشریع یافت.

دو نکته از مسلمات تاریخی است: ۱. پیامبرﷺ در این سفر حج تمتع انجام ندادند؛ ۲. پیامبرﷺ در این سفر قربانی به همراه داشتند. اما نوع حج پیامبرﷺ، که حج افراد بوده یا قران، نیاز به بررسی دارد.

برخی به استناد ظاهر روایت (عزم بالحج مفرداً، فلبی بالحج مفرداً و ساق الهدی...) حج پیامبرﷺ را حج افراد می‌دانند؛ در حالی که در روایات متعدد آمده که حج قران و افراد، یکی هستند و تنها فرقشان در سوق هدی است. مانند امام صادقؑ فرمودند: «قارن، قارن نیست؛ مگر به سوق قربانی و بر او دو طواف و سعی بین صفا و مروه واجب است. همچنان که بر مفرد واجب است و قارن فضیلتی بر مفرِد ندارد؛ مگر به خاطر سوق هدی» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج۵، ص۴۰، ح۵۲).

در روایات دیگر، از حج قران به حج افرادی که قربانی به همراه دارد، نیز تعبیر شده است؛ مثل روایت امام‌صادقؑ که فرمودند: «حج در نزد ما سه گونه است: حج تمتع،

حج افرادی که هدی سوق داده و حج افراد» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج۱۱، ص۲۱۲، ح۲).

در هر صورت، حج پیامبرﷺ قران باشد یا افراد، از آنجا که طبق نظر شیعه حج قران و افراد دو طواف دارند و حج تمتع سه طواف دارد، روایت حجه‌الوداع مؤید نظر شیعه است؛ زیرا پیامبراکرمﷺ در این سفر دو طواف به‌جا آوردند؛ یکی، هنگام ورود به مکه و دیگری، هنگام برگشت از منی به مکه.

چند احتمال و پاسخ آن:

۱. طواف اول پیامبراکرمﷺ طواف قدوم و طواف آخر، طواف زیارت بوده است (نظر برخی از اهل سنت و مضمون روایت ابن‌عمر که تعداد طواف واجب پیامبرﷺ را یک طواف دانسته است). در پاسخ باید گفت اولاً: اگر طواف اول، طواف قدوم بود، دیگر نیازی به انجام سعی بعد از آن نبود؛ زیرا یک طواف مستحبی است. در حالی که پیامبراکرمﷺ علاوه بر طواف، سعی نیز انجام دادند و این خود مؤیدی است بر اینکه طواف اول طواف زیارت بوده است. ثانیاً: به اعتقاد فقهای شیعه، در حج قران و افراد می‌توان طواف زیارت و سعی بین صفا و مروه را بر وقوفات در عرفات و منی تقدیم نمود. لذا در حجة الوداع، پیامبراکرمﷺ ابتدا طواف زیارت و سعی بین صفا و مروه انجام دادند و بعد از وقوفات عرفات و منی، طواف نساء به‌جای آوردند.

۲. طواف اول، طواف زیارت و طواف دوم، طواف وداع بوده است (نظر برخی از اهل سنت که تعداد طواف‌های واجب پیامبر را دو طواف می‌دانند).

در پاسخ باید گفت، به تصریح برخی از علمای اهل سنت، حتی اگر طواف وداع واجب باشد؛ اما محلل نیست؛ در حالی که طبق روایت عایشه و ابن‌عمر پیامبرﷺ با انجام این طواف از احرام خارج شدند. در نتیجه، طواف آخر، طواف نساء خواهد بود.

پس از بررسی حجة الوداع می‌توان گفت: اولاً، در این سفر حج پیامبراکرمﷺ حج قران بوده است. ثانیاً، ایشان دو طواف انجام دادند که اولی، طواف زیارت و آخری، طواف نساء بوده است. به این ترتیب، صحت و حقانیت ادعای شیعه ثابت گردید (الله اعلم).

۹. نتیجه‌گیری

مذاهب اسلامی اقسام حج را سه نوع می‌دانند: تمتع؛ قران؛ افراد.

از نظر اهل سنت طواف سه نوع است:

۱. طواف قدوم یا ورود: افرادی که از شهرهای دور وارد مکه می‌شوند، آن را انجام می‌دهند. آنان بالاتفاق این طواف را مستحب می‌دانند.

۲. طواف زیارت یا افاضه: حاجی پس از مناسک منی و برگشت به مکه انجام می‌دهد. این طواف را بالاتفاق واجب رکنی می‌دانند و ترک عمدی آن باعث بطلان حج است.

۳. طواف وداع یا صدر: آخرین عملی که حاجی غیر مکی قبل از خروج از مکه انجام می‌دهد. وجوب یا استحباب آن اختلافی است. حنابله، حنفیه و گروهی از شافعیه قائل به وجوب آن، مالکیه و گروهی دیگر از شافعیه قائل به استحباب آن هستند.

شیعه در مشروعیت طواف‌های مذکور با اهل سنت موافق است. طواف قدوم را مستحب و طواف زیارت را واجب رکنی می‌داند. طواف وداع را مانند مالکیه مستحب می‌داند. طواف نساء را طواف واجب غیر رکنی در اقسام سه‌گانه حج و عمره مفرده می‌داند که ترک آن عمداً و سهواً مُخل به صحت حج نیست، منتهی اگر مرد طواف نساء را به‌جا نیاورد، زنان و عقد آن‌ها بر او حرام می‌شوند و بالعکس. مگر اینکه خود یا نایب او این طواف را انجام دهند.

اهل سنت بالاتفاق منکر طواف نساء می‌باشند و معتقدند که پس از طواف زیارت همه چیز بر محرم حلال می‌شود؛ حتی زنان. دلیل آن‌ها بر این امر، دو روایت از عایشه و ابن‌عمر است، مبنی بر اینکه پس از طواف زیارت همه چیز بر محرم حلال می‌شود و پیامبراکرم صلی الله علیه و آله نیز در حجةالوداع پس از انجام آن از احرام خارج شدند.

در مقابل، دلیل شیعه بر وجوب طواف نساء، اجماع، احتیاط و روایات صحیحه بسیاری است که از ائمه معصومان علیهم السلام رسیده است. برخی از فقهای شیعه، به استناد

روایتی از اسحاق‌بن‌عمار از امام صادق علیه‌السلام طواف وداع را از طواف نساء مکفی می‌دانند که طبق کلام شهید اول باید روایت را حمل بر تارک عامی نمود؛ یعنی منظور روایت، اهل سنت هستند و خداوند بر آن‌ها منت گذاشته و طواف وداع را به‌جای طواف نساء از آن‌ها پذیرفته است.

بررسی حجةالوداع، دلیلی برای اثبات نظر شیعه بر وجوب طواف نساء است؛ زیرا حج پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در این سفر، حج قران بوده و طبق نظر امامیه و برخی از فرق اهل سنت، در حج قران انجام دو طواف واجب است. پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در این حج دو طواف انجام دادند (قبل از وقوفات و بعد از بازگشت از منی) که از سه حالت خارج نیست: الف. طواف اول، قدوم و طواف دوم، زیارت؛ ب. طواف اول، زیارت و طواف دوم وداع؛ ج. طواف اول، زیارت و طواف دوم نساء. دو حالت اول (مطابق نظر اهل سنت) مردود و حالت سوم (مطابق نظر امامیه) تنها فرض صحیح است.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱. ابن‌قدامه، عبدالله (بی‌تا)، المغنی، بیروت: دارالکتاب العربی.

۲. ابن‌کثیر (۱۴۱۲ق)، البدایه و النهایه، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

۳. اسکافی، ابن‌جنید، محمدبن‌احمد (۱۴۱۶ق)، مجموعه فتاوای ابن‌جنید، قم: دفتر انتشارات‌اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۴. بروجردی، عبدالرحیم‌بن‌محمدحسین (۱۴۰۶ق)، رسالتان مجموعتان من فتاوی العلمین، مجموعه فتاوای ابن‌بابویه، قم: الاخلاص.

۵. بن‌باز، عبدالعزیزبن‌عبدالله (۱۴۲۳ق)، منسک الامام بن‌باز، جده: دارالمحمدی.

۶. الجزیری، عبدالرحمن (۱۴۰۶ق)، الفقه علی المذاهب الاربعه، بیروت: دارالفکر.

۷. الجزیری، عبدالرحمن؛ غروی، سیدمحمد؛ ماذح، یاسر (۱۴۱۹ق)، الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب اهل‌البیت علیهم‌السلام، بیروت: دارالثقلین.

۸. جعفرپیشه‌فرد، مصطفی (۱۳۸۶ ش)، درآمدی برفقه مقارن، تهران: معاونت امور روحانیون بعثه مقام معظم رهبری.

۹. حرعاملی، محمدبن‌حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل‌الشیعهٔ، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

۱۰. حلبی، ابن‌زهره، حمزةبن‌علی (۱۴۱۷ق)، غنیة النزوع الی علمی‌الاصول و الفروع، قم: مؤسسه امام‌صادق علیه‌السلام.

۱۱. حلی، علامه، حسن‌بن‌یوسف (۱۴۱۳ق)، مختلف الشیعهٔ فی احکام‌الشریعهٔ، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۲. ـــــــــــــــــ (بی‌تا)، تذکرة الفقهاء، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

۱۳. الزحیلی، وهبة (بی‌تا)، فقه اسلامی و ادلته، چاپ دوازدهم، دمشق: دارالفکر.

۱۴. سید سابق (۱۴۱۹ق)، فقه السنة، مکتب البحوث و الدراسات، چاپ دوم بیروت: دارالفکر.
۱۵. شریف‌مرتضی، علی‌بن‌حسین (۱۴۱۵ق)، الانتصار فی انفرادات الامامیة، قم: دفتر انتشارات‌اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۶. شهید اول، محمدبن‌مکی‌عاملی (۱۴۱۷ق)، الدروس الشرعیه فی فقه‌الامامیة، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات‌اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۷. شهید ثانی، زین‌الدین‌علی‌بن‌احمدعاملی (۱۴۰۳ق)، الروضة البهیة فی شرح‌اللمعة‌الدمشقیة، تصحیحا للسید کلانتر، الطبعة‌الثانی، بیروت: داراحیاءالتراث العربی.
۱۸. ـــــــــــــــــــــــ (۱۴۱۳ق)، مسالک الافهام، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیة.
۱۹. طباطبائی بروجردی، حسین (۱۴۲۳ق)، جامع احادیث شیعه، قم: مؤسسة الواصف.
۲۰. طوسی، ابوجعفرمحمدبن‌حسن (۱۴۰۷ق)، الخلاف، قم: دفتر انتشارات‌اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۱. ـــــــــــــــــــــــ (۱۴۰۰ق)، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، چاپ دوم، بیروت: دارالکتاب‌العربی.
۲۲. ـــــــــــــــــــــــ (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحکام، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۲۳. عبدالناصر، جمال (۱۴۰۶ق)، موسوعة‌الفقه‌الاسلامی، قاهره: یصدرها المجلس‌الأعلی للشئون‌الاسلامیة، وزارت اوقاف.
۲۴. العلاف، عبدالله‌بن‌احمد (بی‌تا)، اعمال الحج، مکة مکرمة: دارالطرفین، مکتبة‌الفرقان.
۲۵. قرطبی، احمدبن‌محمد (ابن‌رشد) (۱۴۱۵ق)، بدایة‌المجتهد و نهایة‌المقتصد، بیروت: دارالفکر.
۲۶. کاشانی، ابوبکربن‌مسعود (۱۹۸۲م)، بدایع‌الصنایع فی ترتیب‌الشرائع، بیروت: دارالکتاب العربی.

۲۷. کرکی، علی‌بن‌حسین‌عاملی (۱۴۱۴ق)، جامع‌المقاصد، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۲۹ق)، الکافی، قم: مرکز بحوث دارالحدیث.
۲۹. المالکی، ابوالحسن (۱۴۱۲ق)، کفایة الطالب الربانی لرسالة ابی‌زید القیروانی، بیروت: دارالفکر.
۳۰. محمدی‌نژاد، حسین‌علی (۱۴۱۲ق)، حج از دیدگاه مذاهب اسلامی، ترجمه محمدابراهیم جناتی، قم: مشعر.
۳۱. نجفی، محمدحسن (بی‌تا)، جواهرالکلام، چاپ هفتم، بیروت: داراحیاءالتراث‌العربی.
۳۲. النووی، ابوذکریا، محی‌الدین‌یحیی‌بن‌شرف (۱۳۹۲ق)، شرح النووی علی مسلم، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، الطبعة الثانیة.
۳۳. ـــــــــــــ (بی‌تا)، منهاج‌الطالبین، بیروت: دارالمعرفة.
۳۴. بی‌نام (بی‌تا)، فقه عام، موسوعة الفقه‌الاسلامی، نرم افزار المکتبة الشاملة.
۳۵. مجموعة من المؤلفین (۱۴۰۴– ۱۴۲۷ق)، موسوعة الفقهیة الکویتیة، الکویت: صادر عن وزارت الاوقاف و الشؤون الاسلامیة.